

چرا جوانان از دین روی گردانند؟

شورای مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز در نامه ای سرگشاده، خطاب به مسئولان و اعضای شورای مرکزی این دانشگاه نسبت به "دین‌گزیری جوانان" هشدار داده و خواهان چاره‌جویی برای رفع این مشکل شد. این شورا پیشنهاد کرد به این منظور برای دانشجویان سال اول دانشگاه "مشاور روانی" در نظر گرفته شود.

در این نامه استفاده ابزاری از دین، ارثی بودن دین، معصوم نبودن و اشتباهات مبلغان دینی، جوان بودن جامعه و غرور دینی علت‌های اساسی و اصلی دین‌گزیری جوانان به حساب آمده. همچنین در این نامه آمده که مطابق آمار رسمی بیش از ۸۰٪ از جوانان بین ۱۵ تا ۳۰ سال که نزدیک به ۳۵ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند نماز نمی‌خوانند.

پیداست هدف شورای مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز در این نامه سرگشاده، ارزیابی از نقش دین در استقرار و تکوین نظام جمهوری اسلامی بوده و از اینکه ایده‌های پان‌اسلامیستی این رژیم عملاً با شکست مواجه شده خود، را شرمگین می‌دانند و نگرانند اگر وضع به همین منوال پیش رود و جوانان به این شدت و سرعت از دین‌گریزان شوند، دیری نخواهد گذشت که رژیم جمهوری اسلامی بجای گسترش دین عملاً گورکن آن خواهد بود و این "نعمت الهی" دیگر نقشی در فریب توده‌ها و تثبیت موقعیت سرمایه‌داران نخواهد داشت.

روشن است که در تحولات سیاسی قبل و بعد از انقلاب ۵۷ و از زمان روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی تا مقطع معینی دین نقش بزرگی داشته است. بهره‌گرفتن سرمایه جهانی از توهّمات و خرافات مذهبی توده‌های مردم در خدمت به صحنه آوردن خمینی و به انحراف کشاندن انقلاب ۵۷ در غیاب یک آلترناتیو انقلابی و سکولار و بالاخره روی کار آمدن و تحمیل رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت به اصطلاح مردمی و انقلابی و ضدامپریالیستی و سپس اتکای این رژیم بر قوانین شرع و آیات و احادیث و احکام در بازپس گرفتن دستاوردهای قیام، سرکوب جنبش کارگری، اعدام کمونیست‌ها، تحقیر زنان و آپارتاید جنسی، سرکوب جنبش انقلابی کردستان و کشتار اقلیت‌های مذهبی خصوصاً بهائی‌یان و نهایتاً در برقرارکردن یکی از ارتجاعی‌ترین و جنایتکارترین دیکتاتوری‌های سرمایه‌داری در دوران حاضر، گوشه‌هایی از این نقش بوده است.

اینکه شورای مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز، فقط بجا آوردن فریضه "نماز" را ملاک دین‌گزیری جوانان به حساب آورده و استفاده ابزاری از این ارثی بودن دین، معصوم نبودن، جوان بودن جامعه و غرور دینی را علل اصلی و اساسی این دین‌گزیری به حساب آورده، تنها به این خاطر است که آنان دوران احتضار جمهوری اسلامی را پیش‌بینی کرده‌اند و نگرانند که مرگ جمهوری اسلامی، مرگ دین و مرگ تمام خرافات و تاریکی‌هایی باشد که بیش از دو دهه توده‌های بستوه آمده مردم را در چنگال خود گرفته است.

ما کمونیست‌ها و کارگران پیشرو، زنان ضد آپارتاید جنسی، دانشجویان آزادیخواه و انقلابی و جوانان به‌تنگ آمده از حکومت مذهبی و ارتجاعی و مدافع سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برعکس شورای مرکزی جامعه اسلامی دانشگاه شیراز عللی را که آنان اصل و اساس دین‌گزیری به حساب آورده‌اند گمراه‌کننده و حاشیه‌ای دانسته و علل اصلی و اساسی پدیده دین‌گزیری را به شرح زیر

ارزیابی می نمائیم :

اولاً: مذهب مدافع و توجیه گر استثمار و ستم طبقاتی است. در کلیه مذاهب، نابرابری ها و تبعیضات اجتماعی و اقتصادی ناشی از نظام طبقاتی، مقدرات الهی تلقی شده و مشروعیت میابد. فقر و تنگدستی، سعادت و خوشبختی، نابرابری زن و مرد، ستم به ملیت ها و در یک کلام تمام مظاهر نابرابری و بی عدالتی را ناشی از اراده و مشیت خدا دانسته و تنها " عدل الهی " است که می تواند کیفردهنده ظالمان و استثمارگران باشد. استثمارشوندگان را به اطاعت و استثمارکنندگان را به سخاوتمندی دعوت می کند و سرپیچی توده های بستوه آمده را با حد و تعزیر قصاص می دهد.

ثانیاً: مذهب ذاتاً و ماهیتاً آئینی ضد دمکراسی است. اساس و مبنای تمام ادیان و مذاهب اطاعت و فرمانبرداری بی چون و چرا از دستورات و قوانین الهی است و این معنایی بجز سلب حق بدیهی و مسلم انسان در تعیین سرنوشت و مقدرات زندگی خصوصی و اجتماعی خویش نیست. ادیان، اصولاً خواست و اراده مردم را در تعیین حقوق اجتماعی و وضع قوانین چه به شیوه پارلمانی و چه به شیوه شورایی به رسمیت نمی شناسد و عملاً این حق را به پاپ و کشیش ها و آیت الله ها و حجت الاسلام ها واگذار می کند و توده های مردم را به اطاعت و تبعیت از آنان فرامی خواند.

ثالثاً: مذهب عامل ایجاد تفرقه در میان توده هاست. کلیه ادیان، پیروان خود را از پیروان سایر ادیان برتر دانسته و انسان را نه بعنوان انسان یعنی موجوداتی برابر و مساوی، بلکه موجوداتی می شناسند که پیرو فلان یا بهمان مذهب هستند و حتی در اغلب ادیان، زن و مرد پیرو یک مذهب واحد نمی توانند باهم برابر و مساوی باشند. تقسیم بندی حقوقی انسان بر مبنای مذهب، جنسیت و ملیت، موجب تفرقه توده های مردم شده و این تفرقه همواره بهانه و مستمسک مؤثری بوده تا استثمارگران و زورگویان با استفاده از آن حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان را پایمال نمایند.

رابعاً: مذهب سدی در مقابل هرنوع تحول و حرکت روبه پیش است. مذهب به مثابه عقاید و آئین های جزمی که انسان حق دخل و تصرف در آن را ندارد و پیدایش اغلب ادیان به چند هزار سال قبل برمی گردد، خصلتی ارتجاعی و واپس گرا دارد. در مقابل تحولات و تغییرات اجتماعی و تکامل شرایط زندگی انسان ها مقاومت می کند و خواستار حفظ و تثبیت فرهنگ و نظام کهنه و پوسیده است. مخالفت سرسختانه مسیحیت با ایده ها و افکار نو و شکنجه و آزار و کشتار متفکران و دانشمندان توسط کلیسا در سراسر تاریخ قرون وسطی و دشمنی آیت الله ها و حجت الاسلام ها در ایران در تمام طول قرن حاضر و بخصوص بعد از حاکمیت جمهوری اسلامی با هرآنچه که رنگ و نشانی از فرهنگ و تمدن امروز بشر با خود دارد، نمونه هایی از مقاومت مذهب در برابر پیشرفت و تکامل است.

موارد فوق تنها بخشی از قابلیت ها و ظرفیت های مذهبی بود که می توانند همانند علل اصلی و اساسی در دین گریزی جوانان و توده های مردم ارزیابی شوند. واقعیت این است که نه تنها دین گریزی بلکه دوران احتضار دین و مذهب فرا رسیده است و برخلاف درخواست شورای مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز مبنی بر در نظر گرفتن " مشاور روانی " برای جوانان دانشجو، این خود، گردانندگان شورای مرکزی هستند که به روانکاوا احتیاج دراند.

مشاور روانی باید آنان را هدایت کند تا از گمراهی درآیند و چنانچه علاقه ای به بقاء مذهب همانند تمام سنت های پوسیده ادوار گذشته دارند لااقل خود را با توده های بستوه آمده مردم در

سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی هماهنگ کنند.

محمد نبوی

به نقل از جهان امروز شماره ۵۴

۲۰۰۱ / ۱ / ۸